

تفاوت اساسی معنای «وفاق» نزد پزشکیان و مردم

تسم نمازی
روزنامه نگار

با پیروزی آقای پزشکیان در انتخابات، با وجود ایجاد یک کارگروه تخصصی برای تعیین اعضای هیات دولت، ناگهان اسم‌هایی در دولت مطرح شد که بدنه اجتماعی را به عنوان حامیان دولت شگفت زده کرد. پزشکیان سعی کرد تا تحت عنوان «دولت وفاق ملی» این اسامی را قابل هضم کند، اما وسعت یافتن دامنه این وفاق، تنها به گروه‌های حاضر در قدرت، طرفداران او را با تردید جدی مواجه کرده است. حال پرسش اینجاست که انشقاق در کج‌راخ نموده که باید آن را به وفاقی آن هم در سطح ملی بدل کرد؟ یک انشقاق می‌تواند میان دو طیف اصولگرا و اصلاح طلب فرض شود. در این ۵ ماهه گذشته از حضور پزشکیان، یکی از کلیدواژه‌های پر تکرار وی، «دعوا نکنیم» بوده است. مشخصاً این دعوا، بین گروه‌های سیاسی بوده و چندان ربطی به مردم کوچه و بازار ندارد. همین امر موضوع وفاق بین این گروه‌ها را از موضوعیت ملی خارج می‌کند. واضح است که در سیستم‌های دموکراسی و حتی شبه دموکراسی، رقابت سیاسی، اصل و اساس سیاست‌ورزی است و رقبا تلاش می‌کنند تا با برجسته کردن نقاط ضعف رقیب و نقاط قوت خود، حائز اکثریت شوند و این بد اخلاقی‌های سیاسی بخش گریز ناپذیر کنشگری سیاسی است. ولی آنچه این بد اخلاقی‌ها را در میان گروه‌های سیاسی ایران، خطرناک می‌کند، داشتن دست بالای یک طرف در زدن و حذف دیگری، خارج از قواعد مردم سالارانه است. کوشش پزشکیان برای ایجاد نوعی اجماع و البته نه وفاق، با طیف‌های تندرو، در واقع تلاش برای کند کردن لبه‌های چاقوی آنها در کارشکنی در کار دولت است. به عبارت دیگر رئیس‌جمهور، سیاست «دوستانان را نزدیک خود نگه‌دار و دشمنان را نزدیک‌تر» را در پیش گرفته است. اما به دلایل بسیار واضح، نه تنها این اتفاق نخواهد افتاد که برعکس همین امر به ضد خود تبدیل شده و اعتبار پزشکیان را برای دوره بعد از بین خواهد برد. طیف اصولگرا، از تندرو تا میانه‌رو، در هر حال و شکلی همیشه در قدرت حضور داشته و خواهند داشت. آنها حتی اگر به ضرب انتخابات حداقلی و به خواست نظام سیاسی، از حضور در مناصب انتخابی محروم شوند، به معنای حذف آنان از کلیت نظام سیاسی نبوده و در پست‌های غیر انتخابی فراوانی که در ساحت سیاسی کشور وجود دارد، حاضر خواهند بود و مقاصد خود را از مسیر همان نهادها، بسیار پر قدرت، پی خواهند گرفت. بده و بستان امروز و حضورشان در دولت، نه تنها تیغه کارشکنی آنها را کند نمی‌کند که برعکس آنها هستند که تیغه‌های قیچی اصلاحات دولت را کند کرده و اجازه نخواهند داد تا پزشکیان بتوانند مسیر خود را در تحقق خواست‌های ملی طی کنند. درواقع تعارض منافع میان این دو جناح محلی برای وفاق ندارد. خواست‌های دو طرف و تعاریف آن‌ها در مسائلی چون منافع ملی آنقدر در تضاد یکدیگر تعریف شده‌اند که هیچ گفتگانی در حدفاصل این دو قرار نمی‌گیرد. نگاه این دو گفت‌ماند که سیاست داخلی و خارجی، آنقدر آنتاگونیستی هست که دیگر نمی‌شود با یک گفت‌مان بینابینی و تکیه بر آن به وفاق دست یافت و طبیعی است که طرف مقابل باید تلاش کند تا با ناامید کردن طرفداران پزشکیان، مانع از مشارکت آنها در انتخابات بعدی ریاست جمهوری شده تا کاندیدای خودش پیروز میدان شود. پس حال چرای باید خودشان، وسیله‌ای برای موفقیت پزشکیان باشند؟ اما اگر انشقاق در سطح ملی و میان مردم و حکومت فرض شود این رفتار دولت، عمل در جهت عکس ایجاد وفاق می‌است. حضور پزشکیان در صحنه انتخابات همچون دیالوگی تعبیر شد که مردم دلسرد شده از صندوق رأی را به امر انتخابات دوباره دلگرم کرد و از این طریق پیامی مبنی بر شنیدن خواست ملت منتشر شد. اگر این تعبیر درست باشد، طبعاً دولت وفاق ملی هم باید چیزی از وفاق میان دولت حاضر در قدرت با مردم باشد. رئیس دولت باید برای جلوگیری از رفتارهای جناحی رقیب، راهی در جهت کنترل آنها پیدا کند. نه اینکه آنها را زیر بال خود بگیرد و در صورت عدم موفقیت، استعفا دهد. در واقع پزشکیان تلاش دارد تا با وفاق با گروه‌های تندرو، جلوی کارشکنی آنها را بگیرد و بی‌صدایان در اینجا زینت المجلسی هستند تا همه چیز آراسته به نظر آید و اگر چنین باشد که ماه عسل مردم و دولت به سرعت به پایان رسیده و دلسردی دوباره خیلی زودتر از آنکه تصور می‌شود، پدید خواهد آمد. برخی تحلیلگران معتقدند که از یکسوی این تمایل وجود دارد که به مطالبات جامعه پاسخ داده شود، حتی اگر شده ناشی از آشتی ملی دوران اصلاحات به وفاق ملی پزشکیان تبدیل شود، اما در عین حال این توان و انگیزه وجود ندارد که بدنه اجتماعی جریان مخالف دولت با رنجش مواجه شود. اگر نیروهای جریان دوم را نیروهای عندالاستطاعه فرض کنیم که در مواقع ضروری به کار می‌آیند، نیروهای خودی و جریان اجتماعی مخالف دولت نیروهای عنداللزوم محسوب می‌شوند که باید همیشه آماده و پای کار باشند و از این رونامید کردن آنها هزینه جبران ناپذیری برای تصمیم‌گیران این لایه دارد. در شرایطی که کشور با بحران‌های بین‌المللی و اقتصادی جدی روبه‌روست، ضعف پشتوانه مردمی، می‌تواند بسیار خطرناک باشد که قطعاً به نفع کشور و نظام سیاسی نیست. بنابراین، شایسته است تا پزشکیان، قیاس درون قدرت را به نهاد‌های دیگر سپرده و خود دل نگران بدنه اجتماعی حامی خود باشد.

غلامعلی جعفرزاده در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان در اتوبان یک طرفه وفاق ملی فقط امتیاز می‌دهد

پزشکیان کرسی‌های قدرت را در اختیار مخالفان خود قرار داده است

تیم جلیلی اگر به خواسته‌هایش نرسد، زیر میز می‌زند

«آرمان ملی»- احسان انصاری: «اتفاقی که در حال رخ دادن است این است که پزشکیان به مخالفان صددرصدی خود کرسی‌های قدرت را واگذار می‌کنند. این در حالی است که کسانی که از وی حمایت کرده و در انتخابات هزینه‌های مختلف داده‌اند به دلایل نامشخص بیرون گود مانده‌اند. کسانی که در انتخابات از جان و مال و آبروی خود گذشتند امروز کنار گذاشته شده‌اند بدون اینکه کسی به آنها خسته نباشید بگوید. در سوی دیگر به کسانی پست داده می‌شود که در انتخابات نه تنها همراهی با پزشکیان

در روزهای اخیر انتصاباتی در دولت صورت گرفته که دوباره انتقادها را افزایش داده است. آیا انتخاب استانداران اصولگرا را در راستای شعار وفاق ملی که آقای پزشکیان عنوان کرده‌اند می‌دانید؟

من خیلی تلاش می‌کنم که آقای پزشکیان و شرایطی که با آن مواجه است را درک کنم و به این نکته واقف هستم که اظهارنظر در دوران انتخابات با دوران پس از آن چه تفاوت‌هایی دارد. به عنوان مثال آقای بایدن در زمانی که در رقابت‌های انتخاباتی در یکی از دانشگاه‌های آمریکا حاضر شد به دانشجویان وعده داد که در صورتی که رئیس‌جمهور شود همه وام‌های دانشجویی آنها را می‌بخشد. با این وجود هنگامی که رئیس‌جمهور شد متوجه شد که اختیار چنین کاری را ندارد و به همین دلیل از آنها عذرخواهی کرد. روشن است که برخی از شعارهایی که در دوران انتخابات داده می‌شود در مرحله اجرا با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. به همین دلیل نیز عنوان می‌کنم تلاش می‌کنم آقای پزشکیان را درک کنم. این در حالی است که در ایران هسته‌های قدرت و هسته‌هایی که در تصمیم‌گیری‌ها نقش ایفا می‌کنند به نسبت قبل بیشتر شده و قدرت دولت در مقابل آنها کمتر از گذشته است. واقعیت‌ها این است کسانی که به پزشکیان رأی دادند به دلیل اظهارات او درباره رفع فیلترینگ، کاستن از برخی مشکلات و سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماع، رسیدگی به اخراج اساتید و دانشجویان و تلاش برای تجدیدنظر در برخی سیاست‌ها در عین همراهی ارکان دیگر کشور بوده‌است. برای همین انتظار دارند آقای پزشکیان به وعده‌هایی که به آنها داده عمل کند. این در حالی است که در سه سال دولت آقای رئیسی با بچه‌های انقلاب و نظام و کسانی که در دولت روحانی حضور داشتند رفتار خوبی نشد. شرایط به شکلی بود که هر کسی که در دولت روحانی حضور داشت و یا مدی‌ریتی را در اختیار داشت، حتی اگر با سیاست‌های دولت همسو نبود نیز برکنار و خانه نشین شد. ملاحظتی که آقای پزشکیان از خود نشان می‌دهد، قدری بیشتر از چیزی است که با شعار وفاق ملی همخوانی دارد.

چه ملاطفتی پزشکیان از خود نشان می‌دهد که با شعار وفاق ملی همخوانی ندارد؟

وفاق ملی یک مسیر یک طرفه نیست، اما با روشی که در پیش گرفته شده در حال تبدیل شدن به یک مسیر یک طرفه است. نکته دیگر اینکه ما باید از آقای قالیباف تشکر کنیم که پاسخ مناسبی به وفاق مورد نظر آقای پزشکیان داد. آقای قالیباف در ماجرای رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی و اتفاقاتی که پس از آن رخ داد با آقای پزشکیان به خوبی همراهی و همکاری جبهه پایداری کوچک‌ترین و جلیلی و به خصوصی جبهه پایداری کوچک‌ترین همراهی با دولت نکرده‌اند. تردید نکند طرفداران آقای جلیلی و پایداری‌ها پس از اینکه به خواسته‌های خود برسند زیر میز خواهند زد. به اعتقاد من اعضای پایداری باید در عمل نشان بدهند که عاده‌پذیر و قاعده‌مند

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در ارزیابی از رویکرد دولت چهاردهم و ارائه تصویر وفاق اظهار داشت: بدیهی است که نمی‌خواهم پیش‌داوری کنم و زمان را نادیده بگیرم. اما اکنون نزدیک به دو ماه است که دولت تقریباً شکل گرفته است و در این مدت، تصویری از وفاق که مشاهده می‌کنیم، نیازمند تعریف دقیق‌تری است. وفاق دو وجه دارد، یکی وفاق جمعی که باید با همه شهروندان در سطح کشور صورت بگیرد و دیگری وفاق در سطح کلان حاکمیتی که شامل قوا و ساختارهای سیاسی- نظامی می‌شود. به نظر می‌رسد در بعد حاکمیت، ظرفیت‌های خوبی فراهم شده است، اما وفاق در درون جامعه هنوز شکل نگرفته است. زهران‌زادبهرام گفت: چند مسأله اصلی در جامعه وجود دارد، اول اینکه جمعی از مردم در انتخابات حاضر نشدند و از سوی دیگر، افرادی که رأی داده‌اند، مطالبات جدی دارند. اگر منظور ما از وفاق، هم‌دلی در تمامی بخش‌های جامعه باشد، حداقل در زمینه‌های مشترکی که در بحث‌های انتخاباتی مطرح شد، مانند فیلترینگ، لایحه حجاب و عفاف و وضعیت معیشتی مردم، به

نظری می‌رسد که موضوعات جدی وجود دارد. ما انتظار داریم که هر چه زودتر نشانه‌هایی از وفاق را در درون جامعه مشاهده کنیم، اما متأسفانه تاکنون این نشانه‌ها دیده نشده است. به رغم هشدارهای مکرر نخبگان اجتماعی و دغدغه‌مندان، هنوز افرادی که در انتخابات شرکت کردند، منتظرند تا ببینند چگونه می‌توانند با دولت چهاردهم تعامل کنند. وی افزود: شرایط خاصی که در در دو، سه ماه اخیر به وجود آمده، از زمان ترور شهید هنیه، فضای متفاوتی را ایجاد کرده که روی این مسائل تأثیرگذار است. با این حال، این به معنای عدم وجود ظرفیت‌های لازم در جامعه و تصمیمات مرتبط با وفاق نیست. به نظر می‌رسد دولت چهاردهم با چالش‌های جدی مواجه است که نیاز به دقت و بازنگری بیشتری دارد. ما نمی‌توانیم صرفاً به امید و صبر بسنده کنیم. به عنوان شهروندان این



نداشتند بلکه علیه او تلاش کردند. کسی که در مرحله اول انتخابات به جلیلی رأی داده و در مرحله دوم در فضای مجازی هشتک زد که «نه به دولت مسدود مسعود» چرا باید به عنوان وزیر معرفی شود؟ جملات ذکر شده اظهارات دکتر غلامعلی جعفرزاده نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با «آرمان ملی» است. جعفرزاده در این گفت وگو به مهم‌ترین چالش‌های احتمالی انتصابات اخیر در دولت پزشکیان پرداخته که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید.

کسانی که به پزشکیان رأی دادند به دلیل اظهارات او درباره رفع فیلترینگ، کاستن از برخی مشکلات و سخت‌گیری‌ها در حوزه اجتماع، رسیدگی به اخراج اساتید و دانشجویان و تلاش برای تجدیدنظر در برخی سیاست‌ها در عین همراهی ارکان دیگر کشور بوده است

هستند. به همین دلیل نیز من امیدوارم آقای پزشکیان از انتصاباتی که انجام می‌دهد پشیمان نشود. با شناختی که از پایداری‌ها دارم متقدم آقای پزشکیان توجه داشته باشد هر عضو جبهه پایداری را که در دولت به کار بگیرد، به احتمال بسیار زیاد دچار مشکل خواهد شد. این گروه به غیر از خودشان به هیچ‌کس دیگر نمی‌توانند وفادار باشند. آنها به دنبال سرزمین موعودی هستند که در ذهن دارند و تصور نمی‌کنم آقای پزشکیان را قبول داشته باشند. آن چیزی که امروز مشخص است این است که آقای پزشکیان در اتوبان یک طرفه وفاق ملی فقط امتیاز می‌دهد. از حق نگذریم که اگر آقای پزشکیان به تیم قالیباف امتیاز می‌دهد، در مقابل از آنها امتیاز هم گرفته است و آنها به دولت کمک کردند. سیاست درست همین است اما این وضعیت درباره تیم آقای جلیلی وجود ندارد.

پزشکیان چرا در اتوبان یک طرفه ناچار به امتیاز دادن شده‌است؟

در این زمینه لازم می‌دانم چند نکته خدمت آقای پزشکیان عرض کنم. نخست اینکه پزشکیان باید با حامیان دولت و کسانی که در انتخابات ریاست جمهوری برای پیروزی وی تلاش کردند صحبت کند و آنها را نسبت به تصمیم‌هایی که می‌گیرد قانع کند. امروز مردم از کسانی که در رقابت‌های انتخاباتی برای آقای پزشکیان تبلیغ می‌کردند و مردم را به رأی دادن به پزشکیان تشویق می‌کردند این سوال را می‌پرسند که وعده‌هایی که به مردم داده شد به کجا رسید؟ اما پاسخ قانع‌کننده‌ای وجود ندارد

وفاق ملی یک مسیر یک طرفه نیست، اما با روشی که در پیش گرفته شده در حال تبدیل شدن به یک مسیر یک طرفه است. نکته دیگر اینکه ما باید از آقای قالیباف تشکر کنیم که پاسخ مناسبی به وفاق مورد نظر آقای پزشکیان داد. آقای قالیباف در ماجرای رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی و اتفاقاتی که پس از آن رخ داد با آقای پزشکیان به خوبی همراهی و همکاری جبهه پایداری کوچک‌ترین و جلیلی و به خصوصی جبهه پایداری کوچک‌ترین همراهی با دولت نکرده‌اند. تردید نکند طرفداران آقای جلیلی و پایداری‌ها پس از اینکه به خواسته‌های خود برسند زیر میز خواهند زد. به اعتقاد من اعضای پایداری باید در عمل نشان بدهند که عاده‌پذیر و قاعده‌مند

زهران‌زادبهرام مطرح کرد:

تازمانی که وفاق درون جامعه منتشر نشود، نمی‌تواند معنای خود را پیدا کند

جدید است. ایشان با رویکردی مبتنی بر تفاهم بر سر موضوعات مشترک، به مسائل جامعه توجه می‌کنند. مسائلی مانند تورم، بیکاری، حقوق زنان و فیلترینگ، همگی موضوعاتی هستند که به نوعی مبتلا به عموم جامعه‌اند. این مسائل فارغ از اینکه مردم اصولگرا یا اصلاح‌طلب باشد، باید مورد توجه قرار گیرند. عضو شورای پنجم شهر تهران بیان کرد: برداشت من از صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور این است که نظریه ایشان، نظریه وفاق بر سر حل مسائل است. اگر قرار است برای حل مسائل وفاق ایجاد کنیم و این مسائل، مسائل عموم جامعه هستند، بنابراین نیاز داریم که تمامی افراد جامعه را در این فرآیند مشارکت دهیم. به نظر می‌رسد این رویکرد جدید و متفاوتی است که پیش از این در کشور به این شکل وجود نداشته است و می‌تواند راه‌حلی برای خروج از مشکلات باشد. زنادبهرام در ارزیابی خود از روند انتصاب مدیران میانی و به‌ویژه استانداران با گفت: آقای رئیس‌جمهور نمی‌تواند به بدنه رأی‌دهنده‌اش بی‌توجه باشد. هیچ جریان سیاسی نمی‌تواند به سادگی از بدنه رأی‌دهنده عبور کند.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان ۱۱ اکتبر برای اولین بار با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه دیدار کرد و به او اطمینان داد که روابط دو کشور خوب است و تعاملات نزدیک. پزشکیان در دیدار با پوتین در ترکمنستان در حاشیه نشست آسیای میانه گفت: ایران و روسیه ظرفیت‌های دوجانبه و مکمل خوبی دارند و می‌توانند به یکدیگر کمک کنند. پوتین خاطرنشان کرد که دو کشور در سطح بین‌المللی با یکدیگر همکاری می‌کنند و ارزیابی‌ها و رویکردهای مشترکی در مورد مشکلات جهانی دارند.

نزدیکی تهران-مسکو

این دیدار در حالی برگزار شد که پزشکیان کمتر از یک ماه پیش در سازمان ملل متحد در نیویورک از برنامه‌های ایران برای تنش‌زدایی و عبور از تحریم‌ها گفته بود. با این حال به ادعای ناظران مواضع رئیس‌جمهوری ایران تحت تأثیر روابط و همکاری‌های نظامی رو به رشد تهران و مسکو قرار گرفته؛ رابطه‌ای که حاصل تحولات خارجی است و در داخل ساختار سیاسی ایران نیز حامیانی جدی دارد. موسسه مطالعاتی استیمسون در باب روابط ایران و روسیه با انتشار گزارشی مدعی شد، در میانه بحران کنونی خاورمیانه، روسیه از ایران و اسرائیل خواسته تا خویشتنداری کنند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین ۲ اکتبر به خبرنگاران گفت: «ما از همه طرف‌ها می‌خواهیم خویشتندار باشند. به ادعای این موسسه مطالعاتی، پس از واکنش ایران تحت عنوان وعده صادق ۲ و پرتاب بیش از ۱۸۰۰ موشک به رژیم صهیونیستی، روسیه درباب ادامه تنش به شدت نگران است. اما هنوز مشخص نیست که مسکو برای حمایت از ایران در صورت وقوع رویارویی گسترده‌تر چه برنامه‌ای دارد. به ادعای استیمسون تغییر رویکرد ایران در سمت روسیه و تعامل نزدیک‌تر با این بازیگر در دوران ریاست ابراهیم رئیسی به اوج رسید، روسیه به پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران کمک کرد و به عنوان شریکی مناسب برای مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و متحدانش تعریف شد. همکاری روسیه و ایران به واسطه جنگ داخلی در سوریه افزایش یافت، چراکه هر دو کشور از حامیان دولت دمشق بودند و برای حمایت از آن در سوریه حضور نظامی و مستشاری داشتند. به ادعای ناظران، جنگ در اوکراین و تحریم‌های اعمالی غرب علیه روسیه، تعامل تهران و مسکو را عمیق‌تر کرد. بسیاری از سیاست‌مداران ایرانی بالاخص بعد از خروج یکجانبه ترامپ از توافق برجام نگاه مثبتی به غرب ندارند و در مقابل، خوان‌هان تامل باشرق هستند؛ همین‌گزاره زمینه‌رایی توافق روابط ایران و روسیه هموار کرده است. به ادعای استیمسون، درحالی‌که برخی در ایران و آمریکا برجام را سراغ‌از گرم شدن روابط تهران و غرب قلمداد می‌کردند، دولت ایران این توافق را راهی برای تبدیل موضوع برنامه هسته‌ای خود از یک موضوع سیاسی به یک موضوع فنی قلمداد کرده، به نسنتری برای بهبود روابط ایران با غرب، بر این اساس، خروج ترامپ باعث شد تا دولت ایران اعتماد به غرب را به کلی از دست بدهد.

تاوانی واشینگتن

به ادعای ناظران، جنگ در اوکراین را باید فرصتی برای افزایش وابستگی مسکو به تهران و همچنین دریافت فناوری هسته‌ای پیشرفته روسیه مانند جنگنده‌های سوخو-۲۵ و سامانه موشکی دفاعی اس-۴۰۰ از جانب ایران دانست. در همین راستا، ارسال ادعایی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه، بر اساس برخی اخبار می‌تواند اهرم چانه‌زنی ایران در برابر روسیه را افزایش دهد. به ادعای استیموسن، ایران سه خط ژئوپلیتیکی را لحاظ می‌کند که خاورمیانه، اروپای شرقی و حاشیه غربی چین را به هم متصل می‌کند و معتقد است که غرب به دنبال تسلط بر هر سه منطقه است. از دیدگاه ایران، روسیه قطب مهمی در برابر هژمونی آمریکاست. جنگ غزه نیز ایران و روسیه را به هم نزدیک‌تر کرده است. ماهیت وحشیانه واکنش اسرائیل به حمله حماس در ۱۷ اکتبر گذشته و شکست امریکادر دستیابی به آتش‌بس و کنترل اوضاع، این پیام را تقویت کرده که واشنگتن نمی‌تواند ثبات را در خاورمیانه تضمین کند. همسویی درروایت‌ها و برداشت‌ها بین ایران و روسیه فراتر از غزه است. این بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر با هدف تبدیل نظم جهانی به ساختاری چندقطبی است، که در آن سلطه غرب مورد مناقشه قرار می‌گیرد و مراکز قدرت جایگزین، مانند ایران و روسیه، نقش برجسته‌تری ایفا می‌کنند. در نشست اخیر نمایندگان امنیتی کشورهای عضو بریکس در روسیه، ایران پیشنهاد تشکیل کمیسیون امنیتی بریکس را برای همکاری در زمینه‌های صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با تهدیدهای مشترک جهانی ارائه کرد. روابط رو به رشد ایران با روسیه تاکنون تحت تأثیر تغییرات سیاسی قرار نگرفته است. پس از انتخاب پزشکیان، ناصر کتبی، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه ایران، به مسکو اطمینان داد که سیاست «نگاه به شرق» استراتژیک است و تاکتیکی نیست. پزشکیان در یک مقاله نظری در روزنامه لایمز تاکید کرد که روابط با روسیه و چین برای دولت او محوری دارد و هرگونه تنش زدایی به معنای تغییر جهت‌گیری اساسی ایران نیست.